

بررسی نشانه‌های حتمی ظهور در «الغیبة» نعمانی

گونه‌شناسی، اعتبارسنجی و محتوا

محسن اله وردی^۱

خدا مراد سلیمیان^۲

چکیده

مهدویت در آموزه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه به ویژه در فرمایشات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به روشنی تبیین شده است. در میان مباحث مهدویت به نشانه‌های ظهور فراوان اشاره شده است. اهتمام به نقل روایات مهدویت سبب شده تا این روایات در منابع عمومی و نیز منابع ویژه از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. از منابع خاص نقل روایات مهدویت کتاب الغیبة محمد بن ابراهیم نعمانی دارای مرتبه‌ای بس بلند است. در این کتاب که به انگیزه نقل روایات مهدوی سامان یافته، به بیشتر مباحث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه پرداخته شده که از جمله آنها می‌توان به نشانه‌های حتمی اشاره کرد. در این کتاب ۵۹ روایت، در مورد نشانه‌های حتمی ظهور است که از مجموع این روایات، تنها اسناد چهار روایت صحیح است. در اسناد این روایات راویانی واقع شده‌اند که گرایش به مذاهب مختلفی اعم از امامی، فطحی، واقفی و زیدی دارند. برخی از اسناد با چند طریق نقل شده‌اند و همچنین اطلاعاتی درباره شیوه تحمل حدیث و آگاهی‌های رجالی در بعضی از اسناد به چشم می‌خورد. این مقاله با روش کتابخانه‌ای با بررسی اسناد و متون روایی پرداخته و روایات نشانه‌ها را پس از گونه‌شناسی و دسته‌بندی از نظر سند و محتوا بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: سند، محتوا، روایات، علائم حتمی ظهور، اعتبارسنجی روایات، الغیبة نعمانی.

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت، mohsenallahverdi546@gmail.com.

۲. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، kh.salimian@isca.ac.ir.

مقدمه

روایات فراوانی از پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین در باره مهدویت صادر شده است. یکی از موضوعاتی که بخش مهمی از این روایات را به خود اختصاص داده «علائم الظهور» است. باتوجه به روایات، این علائم را می‌توان به دو دسته محتوم و غیر محتوم تقسیم بندی کرد که در قسمت علائم حتمی از پدیده‌هایی مانند: خسف بیداء، نداء، خروج سفیانی، خروج یمانی و قتل نفس زکیه بحث می‌شود.

در بین کتاب‌های مهدوی، کتاب الغیبة محمد بن ابراهیم نعمانی، اهمیت و ارزش والایی دارد، زیرا:

۱. این کتاب مقدم بر دو کتاب مهدوی دیگر (کمال الدین شیخ صدوق و الغیبه شیخ طوسی) نگاشته شده است.

۲. نعمانی شاگرد بدون واسطه کلینی است و کلینی در کتاب او حضوری پررنگ دارد.

۳. بسیاری از کتاب‌هایی که روایات علائم الظهور را نقل می‌کنند، مستندشان کتاب نعمانی است.

در کتاب نعمانی پنجاه و نه روایت در باره علائم حتمی وارد شده است که فقط چهار روایت آن صحیح‌السند است و سند سی روایت ضعیف است. از آنجایی که رویکرد بی‌ضابطه و آسیب‌مند سودجویان، نسبت به روایات علائم حتمی ظهور و به‌خصوص یمانی وجود دارد، بایسته می‌نماید که این روایات بررسی و تحلیل شوند.

پیش از این کتاب‌ها و مقالاتی به علائم الظهور پرداخته‌اند که در دو دسته قرار می‌گیرند: اول: کتاب‌هایی که با گردآوری احادیث صحیح و ضعیف در پی پاسخ‌گویی به نیاز توده مردم برآمده و با ارائه این احادیث بدون ارزیابی سندی و دلالتی تلاش کرده‌اند، نزدیک بودن ظهور را مطرح کنند. مانند:

۱. «نوائب الدهور فی علائم الظهور» نوشته: سید محمد حسن میر جهانی؛

۲. «عصرظهور» اثر علی کورانی. ایشان در این کتاب به بحث‌های گوناگونی مثل

نقش ایرانیان در زمینه‌سازی ظهور و همچنین نقش رومیان و یهودیان در ظهور می‌پردازند همچنین بخشی از کتاب به سیر حرکت سفیانی پرداخته است.

دوم: آثاری که به بررسی و نقد علمی مباحث مربوط می‌پردازند. مانند:

۱. «دراسه فی علامات الظهور» اثر جعفر مرتضی‌عالمی که ضمن بررسی روایات به مبحث بداء و محتوم پرداخته است.

۲. «موسوعه الإمام المهدی» نوشته سید محمد صدر که در چهار جلد تألیف شده است.

۳. «تقریرات درس خارج مهدویت نجم الدین طوسی» که به بیان علائم ظهور از قبیل حسنی، نفس زکیه، یمانی و سفیانی می‌پردازند. استاد طوسی این روایات را ارزیابی سندی و دلالتی می‌کند. گفتنی است که ایشان روایات نشانه‌های ظهور را از منابع گوناگون روایی ذکر می‌کنند و به یک منبع اکتفا نمی‌کند.

۴. «تأملی در نشانه‌های ظهور» نوشته نصرت‌اله آیتی؛

۵. «سفیانی از ظهور تا افول» اثر نصرت‌الله آیتی.

ایشان در این دو کتاب به جایگاه نشانه‌های ظهور و امکان بداء در علائم حتمی ظهور پرداخته است. همچنین به بررسی علائم حتمی ظهور مثل سفیانی پرداخته، ولی به بررسی علائم غیر حتمی ظهور نپرداخته است و نیز به ضرورت و در صورت نیاز به بعضی از روایات الغیبه نعمانی اشاره کرده است.

۶. «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» تألیف مصطفی صادقی؛ افزون بر اینکه نگاه ایشان در این اثر، تاریخی است؛ این اثر نیز مثل دو کتاب پیشین فقط به برخی از روایات کتاب الغیبه نعمانی اشاره کرده است.

۷. «دانشنامه امام مهدی» نوشته محمدی ری‌شهری؛ مؤلف این دانشنامه در جلد هفتم به علائم ظهور می‌پردازد و روایاتی را از منابع شیعه و اهل سنت می‌آورد. اما اعتبار اسناد روایات را بررسی نمی‌کند.

با ملاحظه این نوشته‌ها، به این نکته می‌رسیم که در پژوهش‌های پیشین، روایات کتاب نعمانی به عنوان منبعی که روایات علائم الظهور فراوانی را در خود جای داده از نظر سندی و محتوایی مورد سنجش قرار نگرفته است. به همین منظور نوشتار حاضر در صدد تبیین سنجش میزان اعتبار روایات حتمی ظهور از لحاظ سندی و بیان محتوای آنها در

کتاب نعمانی است.

پیش از ادامه بحث مناسب است دو واژه «روایت» و «علامت» مفهوم شناسی شود. روایت در اصطلاح علمی عبارت است از خبری که منتهی می شود به طریق نقل، از ناقلی به ناقل دیگر، تا اینکه منتهی به منقول عنه بشود؛ یعنی پیامبر یا امام.^۱ علامت، از ریشه عَلَم، به معنای چیزی است که در راه نصب می شود تا نشانه باشد و کسانی که گم شده اند، راهنمایی شوند.^۲ «عین»، «لام» و «میم» اصلی است صحیح که دلالت می کند بر اثری در چیزی که با آن، از غیر خودش شناخته می شود؛ از این روست «علامه» که گفته می شود: «علمت علی الشیء علامه».^۳

«علائم ظهور» در اصطلاح بر آن دسته از رخدادها اطلاق می شود که طبق روایات، پیش از ظهور، در آستانه آن، هم زمان و یا پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع می شوند.^۴ این علائم حتمی عبارت اند از ندای آسمانی، یمانی، سفیانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء. برخی از این علائم مانند ندای آسمانی و یمانی قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برخی نیز مانند قتل نفس زکیه پیش از ظهور علنی اتفاق می افتد. برخی علائم نیز مانند خروج سفیانی و خسف بیداء، بعد از ظهور اتفاق می افتد.^۵

۱. علامت اول: ندای آسمانی؛ گونه شناسی و اعتبارسنجی روایات

در نگاهی اجمالی می توان روایات نشانه های حتمی را در مباحث زیر دسته بندی کرد: در میان نشانه های حتمی نخستین نشانه «ندای آسمانی» است. در این کتاب بیست و هشت روایت درباره ندای آسمانی ذکر شده است. در این قسمت به واکاوی اسناد این روایات می پردازیم که چه مقدار از این روایات به لحاظ سندی معتبر و چه تعداد ضعیف محسوب می شوند.

۱. معجم مصطلحات الرجال و الدراریه، ص ۶۹.
۲. کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۳.
۳. معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۱۰۹.
۴. فرهنگ نامه مهدویت، ص ۴۴۵.
۵. علائم الظهور، ص ۲۱-۲۲.

روایات صحیح السند

اسناد سه روایت در بحث ندای آسمانی صحیح است.^۱ حدیث شصت و هفتم، ص ۲۷۹ که با نوزده سند ذکر شده است و سه سند آن صحیح است. در ذیل سند این روایت ذکر می شود و به علت طولانی بودن، از ذکر متن حدیث صرف نظر می کنیم:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ هُوَلَاءِ الرِّجَالِ الْأَرْبَعَةِ^۲ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى^۳ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى قَالَ وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ وَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤَصِّلِيُّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَاشِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحْرِكْ يَدَ...

روایات موثق

سیزده روایت موثق در مورد ندای آسمانی ذکر شده است.^۴ در ذیل، روایانی که سبب موثقه شدن روایات شده اند ذکر می گردد:

۱. «احمد بن هلال»: نجاشی در مورد وی می نویسد: «صالح الروایه، يعرف و ینکر».^۵
شیخ طوسی این راوی را غالی می داند.^۶ مرحوم خوئی قائل است فساد عقیده او، روایاتش

۱. الغیبه نعمانی، ص ۳۲۰، ح ۹؛ ص ۲۷۸، ح ۶۳؛ ص ۲۷۹، ح ۶۷.

۲. همان، ص ۲۷۹، ح ۶۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۴. والقائل هو المصنف.

۵. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۰، ح ۲۸؛ ص ۲۶۰، ح ۱۹؛ ص ۲۷۹، ح ۶۵؛ ص ۱۸۱، ح ۲۹؛ ص ۲۶۶، ح ۳۳؛

ص ۲۶۳، ح ۲۵؛ ص ۲۶۳، ح ۲۳؛ ص ۲۶۴، ح ۲۸؛ ص ۲۶۵، ح ۳۰؛ ص ۲۶۵، ح ۳۱؛ ص ۲۶۷، ح ۳۵؛ ص

۲۷۴، ح ۵۴؛ ص ۲۷۹، ح ۶۶.

۶. رجال النجاشی، ص ۸۳.

۷. رجال الطوسی، ص ۳۸۴.

را از حجیت نمی‌اندازد.^۱ نرم افزاز درایه النور نیز این شخص را فاسدالمذهب و ثقه معرفی می‌کند. باتوجه به کلام مرحوم خوئی و نرم افزاز درایه النور می‌توان به روایاتی که در زمان استقامت ذکر کرده، اعتماد کرد.

۲. «علی بن حسن تیملی»: ایشان فطحی مذهب و ثقه است.^۲

۳. «احمد بن محمد بن سعید»: وی هر چند جلیل القدر و مشهور به حفظ است، ولی زیدی است.^۳

۴. «علی بن اسباط»: فطحی مذهب و ثقه است.^۴

روایات ضعیف

دوازده روایت ضعیف در مورد ندای آسمانی وارد شده است.^۵ در ذیل روایانی که سبب ضعیف شدن روایات شده‌اند، ذکر می‌گردد:

۱. «حسن بن علی بن ابی حمزه»: از وجوه واقفیه بوده است.^۶

۲. «محمد بن علی الکوفی»: ضعیف است.^۷ مامقانی نیز وی را ضعیف می‌داند.^۸

۳. «احمد بن هوذه الباهلی»؛

۴. «قاسم بن محمد بن الحسن»؛

۵. «عبد الرحمن مسلمه الجریری»؛

۶. «داود الدجاجی»؛

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۵۲.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۵۷.

۳. همان، ۹۴.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۵۲.

۵. الغیبه نعمانی ص ۲۷۹، ح ۶۴ - همان، ص ۳۱۳، ح ۵ - همان، ص ۲۶۶، ح ۳۴ - همان، ص ۲۶۱،

ح ۲۰ - همان، ص ۲۵۷، ح ۱۴ - همان، ص ۲۶۴، ح ۲۷ - همان، ص ۲۶۶، ح ۳۲ - همان، ص ۲۸۹، ح ۶

- همان، ص ۲۵۱، ح ۷ - همان، ص ۲۵۳، ح ۱۳ - همان، ص ۱۴۲، ح ۳ - همان، ص ۲۵۲، ح ۱۰.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۶.

۷. همان، ص ۳۳۲.

۸. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲۰، ص ۴۸.

۷. «عبد الرحمن بن عمرو»؛

۸. «موسی بن جعفر بن وهب»: این افراد نیز توثیق ندارند.

بررسی دلالتی روایات ندای آسمانی

یکی از نشانه‌هایی حتمی ظهور که به عنوان یک پدیده طبیعی مطرح است، ندای آسمانی است. اهمیت این نشانه از آنجا روشن می‌شود که روایات فراوانی را در کتاب نعمانی به خود اختصاص داده است و شمار قابل توجهی از این روایات فقط در مورد نداء بحث می‌کند و به دیگر نشانه‌ها نمی‌پردازد. روایاتی که درباره این نشانه بحث می‌کند، موضوعاتی مانند: ماهیت نداء، زمان و مکان، محتوا و گستره نداء و... را شامل می‌شود.

باید توجه داشت که از «نداء» در برخی روایات به «صیحه» و «فزع» نیز تعبیر می‌شود. چرا که در جایی از کتاب مورد بحث، روایتی از امام صادق ع داریم که یکی از علائم قبل از ظهور را «نداء»، در ماه رمضان می‌داند.^۱ و در روایتی نقل شده از امام علی ع از علائم قبل از ظهور، «صیحه» در ماه رمضان شمرده می‌شود.^۲ همچنین روایتی از امام باقر ع «فزع» در ماه رمضان را از علائم ظهور می‌داند.^۳

ماهیت ندای آسمانی هشدار و پیامی است بر اینکه ظهور امام مهدی ع نزدیک است. با ملاحظه برخی روایات بحث نداء، معجزه بودن آن رامی‌توان استفاده کرد. در ذیل به روایتی در این زمینه اشاره می‌شود که از لحاظ سندی موثقه است و حائز این نکته با اهمیت است که معجزه بودن ندای آسمانی در نزد دانشمندی مثل زراره مسلم است. زراره از امام صادق ع درباره علت وقوع جنگ با وجود رخ داد شگفتی مثل نداء سوال می‌کند: زراره از امام صادق سوال می‌کند که در عجبم از قائم که چگونه با او جنگ می‌کنند با وجود آنچه از شگفتی‌ها می‌بینند ... آن صدا که از آسمان است؟...^۴. برخی از محققان نیز قائل

۱. الغیبه نعمانی، ص ۲۸۹، ح ۶.

۲. همان، ص ۲۵۸، ح ۱۷.

۳. همان، ص ۲۵۱، ح ۸.

۴. همان، ص ۲۶۴، ح ۲۹.

به اعجاز ندای آسمانی هستند.^۱

یکی از مباحثی مطرح درباره ندای آسمانی، زمان آن است که از جهاتی قابل طرح است: الف. ماهی که در آن ندای آسمانی رخ می‌دهد. ب. روزی که در آن ندای آسمانی رخ می‌دهد. ج. رخ دادن این نداء در چه زمانی از شب و روز.

این روایات در مورد زمان نداء، اعم از ندای آسمانی و شیطانی وارد شده است. این روایات از چهار امام معصوم نقل شده است. که عبارت‌اند از: الف. ماهی که در آن نداء رخ می‌دهد: ۱. وقوع نداء در ماه رمضان.^۲ وقوع نداء در ماه رجب.^۳ ب. روزی که در آن نداء رخ می‌دهد: شب بیست و سوم ماه رمضان.^۴ ج. وقوع نداء در ساعاتی از شبانه روز: یک صیحه در آغاز شب و صیحه دیگر در پایان شب دوم.^۵

آسمانی بودن نداء به این است که از طرف خداوند و توسط جبرئیل امین انجام می‌شود و به خاطر محتوا و پیام الهی که دارد، ندای آسمانی شمرده می‌شود. همچنین هر ندای باطلی که غیر الهی باشد، زمینی حساب می‌گردد اگر چه از آسمان شنیده شود. چنانکه روایتی از امام صادق علیه السلام به این امر دلالت دارد.^۶

منادی ندای آسمانی جبرئیل است.^۷ اینکه منادی ندای آسمانی جبرئیل است در منابع دیگری نیز ذکر شده است.^۸ منادی ندای زمینی ابلیس است.^۹ در منابع دیگر مانند

۱. علائم الظهور، ص ۲۲.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۲۸۹، ح ۶.

۳. همان، ص ۱۸۰، ح ۲۸.

۴. همان، ص ۲۸۹، ح ۶.

۵. همان، ص ۲۶۵، ح ۳۱.

۶. همان، ص ۲۶۰، ح ۱۹.

۷. همان، ص ۲۵۳، ح ۱۳؛ ص ۲۹۰، ح ۶.

۸. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۳.

۹. الغیبه نعمانی، ص ۲۶۵، ح ۳۰.

کمال‌الدین نیز منادی ندای زمینی ابلیس معرفی شده است.^۱

محتوای ندای آسمانی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف. محتوای اخباری:

۱. معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام و نسب،^۲ معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان.^۳
- ب. محتوای انشایی: ۱. دستور قیام به امام مهدی،^۴ ۲. دستور به پیروی از امام مهدی،^۵
۴. نهی از جنگ.^۶

لازم به ذکر است که محتوای ندای زمینی عبارت است از: معرفی حق و اهل حق از

نظر ابلیس.^۷

در باره اینکه گستره نداء چه محدوده‌ایی را شامل می‌شود و این نداء چگونه اتفاق

می‌افتد روایات مختلفی وارد شده است که شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. شنیدن اهل شرق و غرب عالم،^۸ ۲. شنیدن به زبان مادری خود.^۹ ۳. شنیدن همه جانداران.^{۱۰}

جمع‌بندی مباحث نداء

در بررسی اعتبار روایاتی که در قسمت نداء ارزیابی شدند، اسناد بیست و هشت روایت بررسی شد که شانزده روایت معتبر بودند. این روایات را می‌توان در چهار دسته قرار دارد که عبارت اند از: محتوای ندا، ماهیت نداء، مکان و زمان نداء.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۳.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۱۸۱، ح ۲۹.

۳. همان، ص ۲۶۴، ح ۲۸.

۴. همان، ص ۲۷۹، ح ۶۴.

۵. همان، ص ۲۸۹، ح ۶.

۶. همان، ص ۲۶۶، ح ۳۳.

۷. همان، ص ۲۶۰، ح ۱۹.

۸. همان، ص ۲۵۷، ح ۱۴.

۹. همان، ص ۲۷۴، ح ۵۴.

۱۰. همان، ص ۲۹۰، ح ۶.

مجموع	روایات ضعیف	روایات موثق	روایات حسن	روایات صحیح	موضوع روایات
۱۴	۷	۶	۰	۱	محتوا
۶	۰	۴	۰	۲	مکان
۶	۴	۲	۰	۰	زمان
۲	۱	۱	۰	۰	ماهیت
۲۸	۱۲	۱۳	۰	۳	تعداد کل

بیشتر روایات علائم الظهور اختصاص به نشانه خاصی ندارد و در یک روایت ممکن است علائم حتمی و غیر حتمی ذکر شود یا در یک روایت از چند علائم حتمی بحث شود. اگر روایتی در یک موضوع کلی مثل نداء بحث کند ریز موضوعات مختلفی (مکان نداء، محتوای نداء) در آن روایت قرار می‌گیرد. تقسیم‌بندی فوق در قالب نمودار که اسناد روایات مربوط به نداء را ارائه می‌دهد به لحاظ برجستگی برخی موضوعات است. لذا ممکن است سند روایتی که در ذیل عنوان محتوای نداء بررسی شد؛ متن آن در مورد مکان نداء نیز مطلبی داشته باشد.

ماهیت نداء اعجازگونه است. از میان روایاتی که زمان نداء را بیان می‌کنند، برخی زمان نداء را در ماه رمضان و برخی در ماه رجب می‌دانند. برخی روایات وقوع نداء را به صورت دقیق‌تر بیان کرده‌اند که در شب بیست و سوم ماه رمضان یا وقوع ندای آسمانی در آغاز شب و ندای شیطانی در پایان شب دوم است.

در بحث مکان ندای آسمانی مراد این است که ندای مذکور از طرف خداوند و توسط جبرئیل انجام می‌شود. در نقطه مقابل هر ندای باطلی که غیر الهی باشد، زمینی حساب می‌گردد اگر چه از آسمان شنیده شود.

منادی ندای آسمانی جبرئیل است. منادی ندای زمینی شیطان است.

محتوای اخباری ندای آسمانی شامل: ۱. معرفی حضرت به نام و نسب ایشان. ۲. معرفی اهل حق و رهبر آنان به جهانیان می‌شود. محتوای انشائی شامل موارد ذیل

می‌شود: ۱. دستور به پیروی از حضرت. ۲. دستور به قیام حضرت. ۳. بازداشتن از قتل و جنگ. همچنین محتوای ندای شیطانی القای این نکات است که حق با عثمان است و او به عنوان فردی از بنی امیه مظلومانه کشته شده است و گستره ندا نیز به این صورت است که اهل شرق و غرب عالم به زبان مادری خود می‌شنوند.

۲. علامت دوم: سفیانی؛ گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات

بیست و دو روایات درباره سفیانی وارد شده است که فقط یک روایت صحیح‌السند است. در ذیل این روایات بررسی می‌شوند:

روایتی که سندش صحیح است از عمر بن حنظله، از امام صادق علیه السلام: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ الْفَرَّارِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ خَالِدِ التَّمِيمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لِلْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ ...^۱

سند صحیح است. مراد از بعض اصحابنا «حسین بن سعید اهوازی» است.^۲ وی ثقه است.^۳ نرم افزار درایه‌النور عمر بن حنظله را امامی و ثقه می‌داند. مرحوم نوری نیز مواردی را بر وثاقت عمر بن حنظله ذکر می‌کند.^۴

روایات موثق

هشت روایت موثق در مورد سفیانی وارد شده است.^۵

روایانی که وجود آنها در سند روایات مذکور، سبب موثقه شدن این احادیث شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. «احمد بن محمد بن سعید»^۲. ۲. «علی بن الحسن تیملی»^۳. ۳. «عبد الله بن بکیر»

۱. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۲، ح ۹.

۲. همان.

۳. فهرست کتب الشیعه، ص ۱۴۹.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲۳، ص ۳۸.

۵. الغیبه نعمانی، ص ۲۹۹، باب ۱۸، ح ۱؛ ص ۳۰۰، ح ۳؛ ص ۳۰۱، ح ۴ و ۵؛ ص ۳۰۲، ح ۷؛ ص ۳۰۴، ح

۱۳؛ ص ۲۶۴، ح ۲۶؛ ص ۱۷۲، ح ۷.

که شیخ طوسی او را فطحی مذهب و ثقه می‌داند.^۱

۴. «عباد بن یعقوب»: ایشان همان «الرواجنی» است که در کتب رجالی به این عنوان آمده است.^۲ خوئی او را از زمره اهل سنت می‌داند و در عین حال معتقد است که ثقه است،^۳ ولی شوشتری عقیده دارند که شیعه مذهب است.^۴ نرم افزار درایه النور ایشان را امامی و ثقه معرفی می‌کند، در ادامه تصریح دارد که وی عامی نیست.

۵. «خلاد الصائغ»: احتمال دارد اسم وی خلاد الصفار باشد.^۵ شیخ حر عاملی ایشان را ثقه می‌داند.^۶ محمد بن علی اردبیلی نیز راوی مورد نظر را ثقه می‌داند.^۷ علامه حلی از ابن قتیبه از ابن نمیر نقل کرده است: «انه ثقه ثقه». این توثیق یک مرجح است در حق خلاد.^۸ مامقانی معتقد است هر چند ابن قتیبه در نزد ما غیر معتبر است. اما می‌توانیم وی را در حسان درج کنیم. و عدم اعتماد بر توثیق ابن نمیر به خاطر کلمه «ثقه» است که مرادش شیعه دوازده امامی و عادل است یا مطلق شیعه و عادل بودن و مدح وی قابل اعتماد است.^۹

اما کلام مامقانی، علامه حلی و شیخ حر عاملی موید خوبی است بر قابل اعتماد بودن خلاد الصفار.

روایات ضعیف

سیزده روایت در بحث سفیانی ذکر شده است که سندشان ضعیف است.^{۱۰}

۱. فهرست کتب الشیعه، ص ۳۰۴.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۱۶۶، ذیل ح ۶.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۴. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۶۶۲.

۵. تنقیح المقال، ج ۲۵، ص ۳۵۷؛ الغیبه نعمانی، ص ۳۰۲، ذیل سند روایت ۷.

۶. الحر العاملی، ص ۱۱۳.

۷. جامع الرواه، ج ۱، ص ۲۹۶.

۸. رجال العلامة الحلی، ص ۶۷.

۹. تنقیح المقال، ج ۲۵، ص ۳۵۹.

۱۰. الغیبه نعمانی، ص ۳۰۰، ج ۲؛ ص ۳۰۱، ج ۶؛ ص ۳۰۳، ج ۱۱ و ح ۱۲؛ ص ۳۰۲، ج ۸ و ۱۰؛ ص ۳۰۶، ج

۱۷ و ۱۸؛ ص ۲۶۲، ج ۲۱؛ ص ۲۶۷، ج ۳۶؛ ص ۳۰۴، ج ۱۴؛ ص ۳۰۵، ج ۱۶؛ ص ۲۵۱، ج ۷.

راویان مختلفی سبب ضعف اسناد روایات سفیانی شده‌اند که در ذیل به برخی از این افراد اشاره می‌شود:

۱. «علی بن احمد بندنیجی»: تضعیف شده است؛ «ضعیف متهافت لا یتلفت إلیه»^۱. ۲.
- «محمد بن صامت»: مجهول است.^۳ ۳. «عبید الله بن موسی العلوی»: در مورد وی مطلبی نیامده. ۴. «اسماعیل بن ابان»: مجهول است.^۵ ۵. «علی بن الصباح الضحاک»: در مورد ایشان مطلبی نیامده.^۶ ۶. «مهاجر بن حکیم»: مطلبی در مورد وی نیامده.^۷ ۷. «محمد بن بشر الاحول»: نمازی در مورد وی می‌نویسد: «لم یذکروه»^۸. ۸. «مغیره بن سعید»: کذاب است.^۹

بررسی دلالتی روایات سفیانی

غفاری مصصح کتاب نعمانی در ذیل روایت شانزدهم باب هجدهم می‌نویسد: «ظاهراً در برخی احادیث از نوع حکومت تعبیر به شخص شده است و ذکر سفیانی نماد نوع حکومت است، نه شخص»^۸، اما در کتاب نعمانی روایاتی وجود دارد که موید حقیقی بودن سفیانی است.^۹

قیام سفیانی از جهت ماه رجب^{۱۰} و از جهت هم زمان با حرکت یمانی عنوان

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۲. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳. همان، ج ۹، ص ۳۵۰.

۴. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۸۸.

۵. همان، ج ۸، ص ۳۸.

۶. همان، ج ۶، ص ۴۷۹.

۷. بهجه الآمال، فی شرح زبده المقال، ج ۷، ص ۶۲.

۸. ترجمه غیبیت نعمانی، غفاری، ص ۴۲۴.

۹. الغیبه نعمانی، ص ۳۰۶، ح ۱۸.

۱۰. همان، ص ۳۰۰، ح ۲ و ۳.

می‌شود.^۱ در روایتی حرکت سفیانی با قیام خراسانی هم‌زمان است.^۲ هم‌زمانی خروج سفیانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک سال نیز در روایتی آمده است.^۳

فتنه سفیانی از آغاز تا پایان، پانزده ماه است، از این مدت شش ماه جنگ است و نه ماه حکومت خواهد کرد.^۴ بر همه مناطق تسلط پیدا نمی‌کند و بر مناطق خاصی چیره می‌شود.^۵ جلوگیری از شکل‌گیری نهضت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کشتار شیعیان که نمود آن با جنگ و خونریزی است، شش ماه به طول می‌انجامد، از جمله فعالیت‌های سفیانی است.^۶ در چگونگی هلاکت سفیانی، صورت‌های مختلفی نوشته شده: گرفتار شدن به بیماری، به زمین فرو رفتن و یا اعدام شدن. که احتمال اخیر را قبول می‌کند^۷ در کتاب نعمانی روایتی از امام صادق علیه السلام ذکر شده است و نشان می‌دهد یمانی، سفیانی را از بین می‌برد.^۸

جمع‌بندی مباحث سفیانی

در بحث سفیانی اسناد بیست و دو روایت با همان ملاکی که در بحث نداء بیان شد اعتبار سنجی شدند:

مجموع روایات	روایات صحیح	روایات حسنه	روایات موثق	روایات ضعیف
۸	۱	۰	۴	۳
۴	۰	۰	۲	۲
۷	۰	۰	۱	۶

۱. همان، ص ۲۷۷، ح ۶۰؛ ص ۲۵۳، ح ۱۳.

۲. همان، ص ۲۵۳، ح ۱۳.

۳. همان، ص ۲۶۷، ح ۳۶.

۴. همان، ص ۲۹۹، ح ۱.

۵. همان، ص ۳۰۴، ح ۱۳.

۶. همان، ص ۲۹۹، ح ۱ - ص ۳۰۰، ح ۳.

۷. سلسله مباحث مهدویت - سفیانی (درس خارج مهدویت)، ص ۸۴ - ۸۵.

۸. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۷، ح ۶۰.

ویژگی	۰	۰	۰	۱
مدت حکومت	۰	۰	۰	۱
مناطق تحت سیطره	۰	۰	۱	۱
تعداد روایات سفیانی	۱	۰	۸	۲۲

با دقت در جدول فوق به این نکته می‌رسیم بیشتر روایاتی که در مورد سفیانی نقل شده، ضعیف هستند و در روایات معتبر فقط یک روایات سندی صحیح است.

به نظر می‌آید مراد از سفیانی شخص باشد، زیرا روایات معتبری ویژگی‌های شخصی سفیانی را بیان می‌کنند که در این صورت شخص بودن سفیانی مطابق با ظاهر است. زمان خروج سفیانی با ظهور حضرت پیوستگی دارد و تعیین زمان دقیق خروج سفیانی به تعیین وقت ظهور حضرت می‌انجامد، اما در روایات، زمان خروج سفیانی از جهاتی بیان شده است: ۱. روایاتی که ماه رجب را زمان خروج وی بیان می‌کنند. ۲. روایاتی که هم‌زمانی خروج سفیانی، یمانی و خراسانی را بیان می‌کنند.

مدت حکومت سفیانی در روایات نه ماه بیان شده است که فاصله بین خروج تا نابودی او پانزده ماه است و محدوده حکومت وی نیز شامل مناطق پنج گانه شام: حمص، دمشق، حلب، فلسطین و اردن می‌شود. عمده فعالیت سفیانی طبق روایات جنگ و خونریزی و دشمنی با اهل بیت و شیعیان آنان است که بیشتر در جهت جلوگیری از شکل‌گیری نهضت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌گیرد.

در مورد فرجام سفیانی دسته‌ای از روایات فقط به این نکته اشاره دارند که حکومت سفیانی بعد از نه ماه نابود می‌شود. در برخی روایات یمانی از بین برنده سفیانی معرفی شده است. در برخی منابع دیگر نیز به اسیر شدن و کشته شدن سفیانی اشاره شده است.

۳. علامت سوم: یمانی؛ گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات

در این قسمت پنج روایت در مورد یمانی از لحاظ سندی و محتوایی بررسی می‌شود. روایات مربوط به یمانی در این پنج روایت خلاصه نمی‌شود چرا که در بحث ندای آسمانی و سفیانی برخی روایات که متن آنها مشترک بود با یمانی، ندا و سفیانی مورد بررسی سندی و محتوایی قرار گرفتند.

بررسی سندی

از میان پنج روایت، فقط سند یک روایت حسنه است.^۱ حسنه بودن این روایت بخاطر «علی بن عاصم» است: ایشان در کتب رجال مدحی ندارد مگر اینکه مامقانی او را در اعلی درجه حسن می‌داند.^۲

چهار روایت ضعیف نیز در مورد یمانی وارد شده است.^۳ برخی از روایانی که سبب ضعف اسناد این چهار روایت واقع شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. «محمد بن علی الکوفی»: نجاشی او را محمد بن علی بن ابراهیم می‌نامد و او را تضعیف می‌کند.^۴
۲. «محمد بن حسان الرازی»: مورد اختلاف است. نرم افزار درایه النور وی را تضعیف کرده است.
۳. «محمد بن عبد الله بن المعمر»: وی در غایت ضعف است.^۵

بررسی دلالتی روایات یمانی

صفات و احوال یمانی

یمانی دوست‌دار امام علی علیه السلام است.^۶ پرچم او هدایت‌کننده‌ترین پرچم‌ها است.^۷ یمانی

۱. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۳، ح ۱۲.

۲. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۹۴.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۳۹، ح ۱؛ ص ۲۴۷، ح ۱؛ ص ۲۷۷، ح ۶۰؛ ص ۳۰۵، ح ۱۵.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۳۲.

۵. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۴۰.

۶. امالی شیخ طوسی، ص ۶۶۱.

۷. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۳، ح ۱۳.

صدق نیت و حسن سریره دارد.^۱

زمان خروج

هم‌زمانی خروج یمانی با سفیانی و خراسانی در روایات پرشماری بیان شده است.^۲

مکان خروج

یمن و شهر صنعاء مکان خروج یمانی معرفی شده است.^۳

فعالیت

او مردم را به سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می‌کند.^۴ در برخی منابع نیز نبرد با سفیانی از جمله فعالیت‌های یمانی شمرده شده است.^۵ اصل خروج یمانی مسلم است، اما نسبت به فعالیت ایشان و وجوب تبعیت از او دلیل قطعی نداریم.^۶ تبعیت از یمانی در برخی روایات، هر چند ضعیف، اشاره شده است،^۷ چراکه یمانی مردم را به حق و مشخصا به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت می‌کند.^۸ لازم به ذکر است که در مورد فرجام یمانی روایتی در غیبت نعمانی نیامده است.

جمع‌بندی مباحث یمانی

در بحث یمانی اسناد پنج روایت با همان ملاکی که در بحث نداء بیان شد اعتبارسنجی شدند که در ذیل در قالب نمودار ارائه می‌شود:

موضوع روایات	روایات صحیح	روایات حسنه	روایات موثق	روایات ضعیف	مجموع
زمان	۰	۱	۰	۲	۳

۱. العد التنازلی فی علائم ظهور المهدی، ص ۱۷۱

۲. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۳، ح ۱۳؛ الغیبه شیخ طوسی، ص ۴۴۶؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۷، ح ۶۰؛ ص ۳۹، ح ۱.

۴. همان، ص ۲۵۳، ح ۱۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵.

۵. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۷، ح ۶۰.

۶. تا ظهور، ج ۲، ص ۳۹۱.

۷. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۳، ح ۱۳.

۸. همان.

					خروج
۱	۱	۰	۰	۰	ویژگی
۱	۱	۰	۰	۰	مکان خروج
۵	۴	۰	۱	۰	تعداد کل

از مشخصه‌های یمانی حب علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است و پرچم او، پرچم هدایت است. با قرار دادن روایات در کنار یکدیگر، می‌توان هم‌زمانی خروج یمانی با خروج سفیانی و خراسانی را در یک سال نتیجه گرفت. یمانی از یمن خروج می‌کند و باید از وی تبعیت کرد. دعوت یمانی به سوی امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَعَاهُ الْخَلْقَ، یاری رساندن به ایشان و نبرد با سفیانی از فعالیت‌های یمانی است. در مورد فرجام یمانی روایتی در الغیبه نعمانی نیست.

۴. علامت چهارم: نفس زکیه؛ گونه‌شناسی و اعتبارسنجی روایات

سه روایت در مورد نفس زکیه مورد بررسی سندی و محتوایی قرار می‌گیرد. در خصوص این علامت روایات دیگری نیز هست که در قسمت ندا و سفیانی مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی سندی

یک روایت حسن با سه سند از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است.^۱ حسن بودن روایت به خاطر «یحیی بن یعلی» است.^۲ روایت دیگری از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شده است که به خاطر «احمد بن محمد بن سعید» و «علی بن حسن» موثقه شمرده می‌شود.^۳ روایتی بندنیجی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز ضعیف است.^۴

۱. الغیبه نعمانی، ص ۱۶۶، ح ۶.

۲. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۴۱.

۳. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۸، ح ۱۷.

۴. همان، ص ۲۷۴، ح ۵۵.

بررسی دلالتی روایات نفس زکیه

در برخی منابع به نام نفس زکیه اشاره شده است.^۱ از القاب ایشان می‌توان به «نفس»،^۲ «نفس حرام»^۳ و «دم حرام»^۴ اشاره کرد. با ملاحظه روایات به این نکته می‌رسیم که مراد از «نفس زکیه» غیر از «محمد بن الحسن» است که در زمان خلیفه عباسی به شهادت رسید.^۵ از فعالیت‌های او می‌توان به ابلاغ پیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اهل مکه، نام برد.^۶ برخی روایات فاصله قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و کشته شدن نفس زکیه را پانزده شب می‌داند.^۷ برخی دیگر نیز به نزدیک بودن این دو رخداد اشاره دارند.^۸ نفس زکیه بین رکن و مقام به دست اهل مکیه به شهادت می‌رسد.^۹

جمع‌بندی مباحث نفس زکیه

موضوع روایات	روایات صحیح	روایات حسنه	روایات موثق	روایات ضعیف	مجموع
عاملان شهادت	۰	۱	۰	۰	۱
زمان و مکان شهادت	۰	۰	۱	۰	۱

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۸، ج ۱۷.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۷۴، ج ۵۵.

۵. همان، ص ۲۵۸، ج ۱۷.

۶. سرور اهل ایمان، ص ۹۳.

۷. الغیبه نعمانی، ص ۲۵۸، ج ۱۷.

۸. همان، ص ۲۶۲، ج ۲۱.

۹. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الغیبه نعمانی، ص ۲۵۸، ج ۱۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص

۱	۱	۰	۰	۰	ویژگی ها
۳	۱	۱	۱	۰	تعداد کل

نفس زکیه شخصیتی رشد یافته دارد و پانزده روز قبل از قیام حضرت به شهادت می‌رسد. از القاب ایشان می‌توان به نفس، نفس حرام و دم حرام اشاره کرده. در مورد هدف نفس زکیه می‌توان به دعوت مردم اهل مکه به سوی امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و یاری خواستن از آنان برای حضرت اشاره کرد. زمان شهادت نفس زکیه پانزده روز قبل از قیام امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى است. باتوجه به روایات منابع مختلف، نفس زکیه به دست اهل مکه و بین رکن و مقام شهید می‌شود.

۵. علامت پنجم: خسف بیداء؛ گونه‌شناسی و اعتبارسنجی

روایات

در این قسمت یک روایت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این روایت از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام عَجِبْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ...^۱

طبیعی است که سایر روایاتی که در باره خسف بیداء بحث می‌کند در ضمن علائم ظهور دیگر مورد بررسی سندی و محتوایی قرار گرفته‌اند.

بررسی دلالتی روایات خسف بیداء

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «... امام مهدی از مدینه به مکه حرکت می‌کند ... امیر لشگر سفیانی با خبر می‌شود ... لشگر سفیانی به منطقه بیداء می‌رسند منادی ... نداء می‌دهد: ... قوم را درون خودت فرو ببر ... لشگر سفیانی توسط سرزمین بیداء بلعیده شده و احدی باقی نمی‌ماند، مگر سه نفر که خداوند صورت آنها را به عقب بر می‌گرداند.»^۲ طبق برخی

۱. الغیبه نعمانی، ص ۲۶۴، ح ۲۹.

۲. همان، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

روایات «خسف بیداء» کرامت محسوب می‌شود.^۱

این واقعه در مکانی به نام «بیداء» اتفاق می‌افتد، جایی بین مکه و مدینه.^۲ زمان خروج سفیانی و صیحه آسمانی مقدم بر ظهور است. در این زمینه از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف توقیعی صادر شده است.^۳ طبق برخی روایات «خسف بیداء» بعد از ظهور است.^۴ وقوع خسف یک نوع معجزه است و باعث روشنگری مردم می‌شود.

جمع‌بندی مباحث خسف بیداء

سند یک روایت در بحث اسناد روایات خسف مورد بررسی قرار گرفت که موثق است و دلالت بر کرامت بودن خسف می‌کند. هر چند در این روایت از نداء هم بحث شده است. خسف بیداء در نتیجه تحرکات لشگر سفیانی اتفاق می‌افتد، چرا که آن لشگر در صدد به شهادت رساندن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است و اراده خداوند بر حفظ جان حضرت تعلق گرفته است. همچنین باتوجه به روایت دیگر می‌توان معجزه بودن خسف بیداء را نتیجه گرفت. روایاتی که بر این امور دلالت دارند معتبر محسوب می‌شوند. مکان خسف بیداء در جایی است بین مکه و مدینه. خسف بیداء بعد از ظهور رخ می‌دهد و متأخر بر خروج سفیانی و نداء است. بعد از لشگرکشی سفیانی به مکه، در بین راه وقتی که به بیداء رسیدند، واقعه خسف در بیداء رخ می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از پنجاه و نه روایتی که در بحث علائم حتمی ظهور در کتاب نعمانی ذکر شده است، اسناد چهار روایت صحیح، اسناد سه روایت حسن، اسناد بیست و دو روایت موثق و اسناد سی روایت ضعیف است. لذا بیشتر از نصف روایات ضعیف‌السند هستند. همچنین روایاتی که معتبر محسوب می‌شوند، احادیث پرشماری از آنها در سندشان راویان غیر امامی (دوازده امامی) است که موجب شده است موثق حساب شوند.

۱. همان، ص ۲۶۴، ح ۲۹.

۲. همان، ص ۲۸۹، ح ۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۴. الغیبه نعمانی، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

در مورد محتوای علائم حتمی ظهور به این جمع بندی می‌رسیم:

محتوای ندای آسمانی مواردی است از جمله: حقانیت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، نزدیک بودن ظهور و لزوم تبعیت از امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُفُ و وَرَجَاءُ الشَّرِيفِ. زمان این نداء ماه رمضان و ماه رجب ذکر شده است. در مورد مکان این ندا که از آسمان است هجده روایت وارد شده است که دوازده روایت آن معتبر است.

سفیانی نماد نیست، بلکه شخصیت حقیقی دارد. خروج سفیانی در ماه رجب است و هم‌زمان با خروج یمانی و خراسانی. سفیانی نه ماه حکومت می‌کند و بر بعضی از مناطق شام مسلط می‌شود. جنگ، خونریزی، دشمنی با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و شیعیان از فعالیت‌های سفیانی است.

روایاتی بر هم زمانی خروج یمانی با سفیانی و خراسانی اشاره دارد. در کمال الدین شیخ صدوق، مکان خروج یمانی، سرزمین یمن معرفی می‌شود. در الغیبه نعمانی روایت ضعیفی نابود کننده سفیانی را شخصی می‌داند از شهر صنعاء. دعوت و هدایت مردم به سوی امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُفُ و وَرَجَاءُ الشَّرِيفِ، همچنین مبارزه با سفیانی از فعالیت‌های یمانی است.

مطابق روایات معتبر در منابع مختلف، نفس زکیه بین رکن و مقام شهید می‌شود و این امر پانزده روز قبل از قیام امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُفُ و وَرَجَاءُ الشَّرِيفِ عنوان شده است. ایشان مردم مکه را به سوی حضرت دعوت می‌کند و به دست آنها کشته می‌شود. ویژگی‌های وی عبارت‌اند از: جوانی و پاکی. عاملان شهادت ایشان بنی فلان و طایفه‌ای از قریش معرفی شده‌اند.

روایت معتبری وقوع خسف بیداء را یک کرامت می‌داند. مکان خسف جایی نرسیده به شهر مدینه است و زمان این خسف بعد از این امورات: اختلاف بنی عباس، خروج حسنی و کشته شدن آن توسط مردم مکه و بعد از ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحَالُفُ و وَرَجَاءُ الشَّرِيفِ.

کتابنامه

۱. امالی، طوسی، محمد بن حسن، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳. بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، علیاری تبریزی، علی بن عبد الله، حائری، جعفر - مسترحمی، هدایت الله، بی جا، بی نا، بی تا.
۴. تازهور، طبسی، نجم الدین، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۸ش.
۵. تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، مامقانی، عبد الله، بی جا، بی نا، بی تا.
۶. تنقیح المقال فی علم الرجال (ط الحدیثه)، مامقانی، عبد الله، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بی تا.
۷. جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، اردبیلی، محمد بن علی، دارالاضواء، بیروت، ۵۱۴۰۳ق.
۸. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، قیومی اصفهانی، جواد، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۷۳ش.
۹. الرجال، حر عاملی، محمد بن حسن، فاضل، علی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۷ق.
۱۰. رجال، علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، بحر العلوم، قم: محمد صادق، الشریف الرضی، ایران، ۱۴۰۲ق.
۱۱. رجال، نجاشی، احمد بن علی، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۳۶۵ش.
۱۲. سرور اهل ایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان، بهاء الدین نیلی، علی بن عبد الکریم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴ق.
۱۳. سلسله مباحث مهدویت - سفیانی، طبسی، نجم الدین، (تقریرات درس خارج)، قم: مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۴ش.
۱۴. العد التنازلی فی علائم الظهور المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تبریزیان، عباس، بیروت: دار الاثر، ۱۴۲۵ق.

۱۵. علائم الظهور، رضوانی، علی اصغر، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ق.
۱۶. الغیبه، نعمانی، محمد بن ابراهیم، غفاری، علی اکبر، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۱۷. فرهنگ نامه مهدویت، سلیمیان، خدامراد، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، ۱۳۸۸ق.
۱۸. فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، طوسی، محمد بن حسن، طباطبائی، عبد العزیز، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، بی تا.
۱۹. قاموس الرجال، شوشتری، محمد تقی، جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۰. کتاب العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۱. کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه پهلوان، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ق.
۲۲. متن و ترجمه غیبت نعمانی، نعمانی، محمد بن ابراهیم، غفاری، محمد جواد، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ش.
۲۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، بیروت: موسسه آل البيت: لاحیاء التراث، ۱۴۲۹ق.
۲۴. مستدرکات علم رجال الحدیث، نمازی شاهرودی، علی، تهران: فرزند مولف، ۱۴۱۴ق.
۲۵. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، خوئی، سید ابوالقاسم، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۶. معجم مقاییس اللغه، ابن فارس، احمد بن فارس، هارون، عبدالسلام محمد، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. نرم افزار درایه النور.